

شمه ای از کرامات کریمه

او عالمه ای است بلند مرتبه و محدثه ای است بزرگواری که رجال علوم حدیث بدون هیچ درنگی احادیث و روایات رسیده از آن حضرت را قبول و به آن استناد می نمایند...



او عالمه ای است بلند مرتبه و محدثه ای است بزرگواری که رجال علوم حدیث بدون هیچ درنگی احادیث و روایات رسیده از آن حضرت را قبول و به آن استناد می نمایند...

اول ذی القعدة الحرام (173ه. ق) در مدینه منوره و در بیت هفتمین امام شیعیان، حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام، از مادری به نام نجمه خاتون (مادر امام رضاعیه السلام) دختری پا به عرصه وجود گذاشت که او را فاطمه نامیدند. (1) وی به «معصومه» و «سستی» و «فاطمه کبری» ملقب شد. انتساب این بانوی کرامت به خاندان رسالت و ولایت که هم دختر رسول خداست و ولی او و هم خواهر و عمه ولی خداست، (2) عامل اساسی در تعالی روح و تکامل درجات علمی و عملی آن حضرت بوده است که کریمه اهل بیت علیهم السلام را الگو و اسوه ای از فضایل این خاندان ساخته است.

او عالمه ای است بلند مرتبه و محدثه ای است بزرگواری که رجال علوم حدیث بدون هیچ درنگی احادیث و روایات رسیده از آن حضرت را قبول و به آن استناد می نمایند. او یادگار صاحبان آیه تطهیر (3) و نمونه عالی از طهارت و پاکی است که خاص و عام وی را ملقب به «معصومه» نموده اند. چنانچه حضرت امام رضاعیه السلام فرموده اند: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ يَوْمَ كَمَنْ زَارَنِي؛ (4) کسی که فاطمه معصومه را در قم زیارت کند، مثل آن است که مرا زیارت کرده است.»

او شفیعیه ای است که بزرگ و کوچک از او طلب شفاعت می نمایند. در زیارت حضرت می گوئیم: «يا فاطمة اشْفِعی لی فی الجنة؛ (5) ای فاطمه [معصومه] مرا در داخل شدن به بهشت شفاعت کن.» و انشاءالله طبق فرمایش امام صادق علیه السلام که فرموده است: «تَدْخُلُ يَشْفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ يَاجَمْعِهِمْ؛ (6) به شفاعت او [فاطمه معصومه علیها السلام] همه شیعیانم وارد بهشت خواهند شد.»، شیعیان وارد بهشت می شوند، به خاطر اینکه برای آن سیده جلیله در محضر الهی منزلت وصف ناپذیری است. در زیارت آن حضرت آمده است: «لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِّنَ الشَّأْنِ؛ (7) [اینکه ما از تو طلب شفاعت می نمایم به خاطر این است که] تو در محضر الهی شأن و منزلت وصف ناپذیری داری.»

او بانوی با جلالتی است که از شدت علاقه ای که به برادر والا مقام خود داشت، پس از يك سال از سفر تبعید گونه حضرت رضاعیه السلام به شهر «مرو» به همراه عده ای از برادران خود جهت دیدار برادر و تجدید عهد با امام زمان خویش راهی دیار غربت شد (8) و زینب وار با سفر پربرکتش سند گویایی بر حقانیت امامت رهبران راستین و افشاگر چهره نفاق و تزویر مأمونی گردید و همانند شیر زن کربلا پیام آور خون سرخ برادری شد که این بار مزورانه به قتلگاه «بنی عباس» برده شده بود.

ناگاه تقدیر الهی بر این تعلق می گیرد که حامی بزرگ ولایت به علت بیماری نابهنگام در بین راه - که گفته شده است زنی در شهر ساوه ایشان را مسموم نمود (9) - و جو نامساعد آن شهر، در حال بیماری، با سرعت به سوی شهر قم حرکت کند و در میان

استقبال بزرگان و مردم قم وارد آن شهر شده و در منزل شخصی «موسی بن الخزرج» اجلال نزول فرماید. (10)

سرانجام نجمه آسمان عصمت و طهارت - که معروف به سستی و سستی و به معنای خانم و بی بی است (11) - بعد از هفده روز اقامت در قم و عبادت و بندگی خاضعانه و خاشعانه در برابر ذات پاک الهی در بیت النور در سن 28 سالگی به سال 201 ه. ق. در روز دهم (12) یا دوازدهم (13) ربیع الثانی افول می کند و در محله «بابلان» مدفون می گردد. و تربت پاک آن بانوی بزرگ اسلام قبله گاه قلوب ارادتمندان به اهل بیت علیهم السلام و دارالشفای دلسوختگان عاشق امامت و ولایت می گردد.

کرامت چیست؟

کرامت کار خارق العاده ای است که توسط اولیاء الهی بدون اینکه با ادعای نبوت همراه باشد، انجام می گیرد. کرامتی که از اولیاء الهی بروز می کند با معجزه انبیاء الهی از جهتی مشترك و از جهتی متفاوت است. اشتراك معجزه با کرامت در این است که هر دو کار خارق العاده ای هستند که دیگران از انجام آن عاجزند، با این تفاوت که معجزه همراه با ادعای نبوت است ولی کرامت چنین نیست. (14)

از دیر باز آستان قدس فاطمی منشاء هزاران کرامت و عنایت ربّانی بوده است، چونکه او از خاندانی است که در زیارت آن

ها می خوانیم: «عَادَتُكُمْ الْأَحْسَانُ وَسَجَّيْتُكُمْ الْكُرْمَ؛ (15) عادت شما نیکی و فطرت شما کرم و بخشش است.»

هر که را ره در حریم بضعه موسی دهند // روز محشر جایش اندر جنة المأوی دهند
در رواق حضرت معصومه اخت الرضاعلیه السلام // پاس خدمت حوریان عالم بالا دهند
گر بهشت جاودانی طالبی در قم بیا // چون برات جنت فردوس را این جا دهند
در یکی بخشش به هنگام عطای فاطمه // صد هزاران مُلک جم، دارایی دارا دهند
گرشهنشاهان عطای دنیوی بنموده اند // اندر این دربار هم دنیا و هم عقبی دهند
در سحرگاهان به هنگام مناجات و اذان // خلق را گویی ندا از عالم اعلی دهند
دوستان جای شما خالی که به زوار او // ای بسا منشور آزادی که با امضاء دهند
حوزه علمیه اش پرورده صدها مجتهد // کاندرا عالم داد علم و دانش و تقوی دهند
در رواق دختر باب الحوائج فاطمه // حاجت مردم به امر مادرش زهرا دهند

«واصلًا؛ گرمعرفت باشد کسی را در حقش // کور اگر باشد، زلفش دیده بینا دهند (16)

آری! چه قلب های ناامیدی که سرشار از امید به فضل و کرم الهی و چه دست های تهی که سرشار از رحمت ربوبی و چه انسان های بریده از همه جا و ناامید از همه کس که با دلی شاد و روحی پیوسته به ابدیت به درگاه پر فیض و کرم کریمه اهل بیت علیهم السلام برگشته ومورد لطف و عنایت کریمانه این بانوی کرامت قرار گرفته اند. در ذیل به نمونه هایی از این کرامات اشاره شود.

1 - کریمه اهل بیت و حل مشکلات علمی

الف - مرحوم محدث قمی، در شرح حال صدر المتألهین شیرازی نوشته اند:

«از بعضی از مشایخ خود شنیدم که مرحوم ملاصدرا به واسطه بعضی از ابتلاءات از اقامتگاه خود به دارالایمان قم - که عش آل محمد و حرم اهل بیت است - مهاجرت کرد و به حکم «إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانُ الْفِتْنُ وَالْبَلَايَا فَعَلَيْكُمْ يَوْمَ وَحَوَالِيهَا فَإِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْهَا؛ (17) هنگامی که فتنه ها [و ابتلاءات]، شهرها را فرا گرفت، بر شما باد به قم و حوالی آن، زیرا فتنه ها از آن جا رفع گردیده است.» به قریه ای از قرای قم که در چهار فرسخی آن شهر واقع و موسوم به کهک است، پناه برد و گاهگاهی که بعضی مطالب علمی بر او مشکل می گردید، از کهک به زیارت حضرت سیده جلیله، فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهم السلام تشرّف می یافت و از آن حرم مطهر بر او افاضه فیض می گردید و مشکلاتش حل می شد.»

ب - یکی از علمای برجسته و پرهیزگار در حاشیه کتاب مکاسب [ی] که از روی آن تدریس می کرده اند در ص 143 (بحث ترتب عقود متعدده بر مال مجیز) نوشته اند:

«بسم الله الرحمن الرحيم. دیروز هر چه روی این قسمت، مطالعه و فکر نمودم برآیم روشن نشد و موقع مباحثه شد؛ باینکه بر اینکه با تصریح به ابهام مطلب در این قسمت، درس را بگویم، آماده حرکت شدم و هنگام خروج از منزل، با توسل به حضرت معصومه (خزینه غیر منقوصه الهی علیها السلام) دعا نمودم و بیرون رفتم. دیگر حتی [در] فکر مطالب هم نبودم، اما همین که نزدیک صحن مطهر رسیدم، ناگهان خصوصیات مطلب از اول: «وَلِلْعُقُودِ اللَّاحِقَةِ...» تا «عَلَى الْمُعَوِّضِ ابتداءً» به ذهنم به اذن الله تعالی و برکت سیدتنا فاطمه معصومه علیها السلام الفاء شد و روشن گردید. (18)

2 - کریمه اهل بیت و حل مشکلات مادی

الف - شخصی به نام حاج شیخ اسماعیل از اهالی اصطهبانات شیراز نقل می کند:

«در ایام جنگ تحمیلی، اقامتم در محل مشکل شد، به قم آمده و حضور مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی رسیدم. پرسیدند: آمده اید بمانید یا برگردید؟ عرض کردم: آمده ام در زیر سایه بی بی، حضرت معصومه، بمانم، ولی احتیاج به سرپناهی دارم که خانواده ام صدمه نخورد، و هیچ امکاناتی ندارم. البته به محضر مقدس مولایمان، صاحب الزمان، متوسل شده و عرض حاجت کرده ام. مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی فرمودند: البته حضرت بقیة الله ارواحنا فداه» «حجة الله است و تمام جهان تحت فرمان اوست. ولی این جا صاحب خانه حضرت معصومه علیها السلام می باشد. شما بر کریمه اهل بیت وارد شده اید. به حرم مطهر بروید و از صاحب خانه بخواهید که سرپناهی به شما عنایت کنند.»

حاج شیخ اسماعیل می گوید: به حرم مطهر رفتم و از کریمه اهل بیت علیهم السلام تقاضای سرپناهی نمودم که عنایت فرمایند. از حرم که بیرون آمدم با شخصی مصادف شدم و مرابه خانه ای که مناسب وضع من بود راهنمایی نمود و آن را به مبلغ صد و چهل هزار تومان معامله کردم.

به خدمت آقای گلپایگانی رسیدم و شرح ماجرا را گفتم. معظم له مبلغی در حدود سی هزار تومان مرحمت کرده و فرمودند: کسی را پیدا کنید و از او قرض نمایید، خدا کریم است.

دوباره به محضر بی بی شرفیاب شدم و عرض کردم: بی بی جان از شما کسی را می خواهم که بقیه پول را به من قرض دهد. از حرم که بیرون آمدم، نرسیده به وسط صحن با یکی از آشنایان روبرو شدم. گفت: شما را محزون می بینم! ماجرا را گفتم، گفت: من برای قرض دادن حاضریم. همان روز پول را از ایشان قرض کرده و خانه را تحویل گرفتم و راحت شدم.

روزی که قول داده بودم قرضم را ادا کنم، چیزی در بساط نداشتیم، باز به محضر ولی نعمت خود مشرف شدم و عرضه داشتیم: ای بی بی دو عالم! من خود به این جا نیامده ام، مرا فرستاده اند و امروز موعد قرض های من است. از شما کسی را می خواهم که آن را تبرعاً به من بدهد. از حرم بیرون آمدم. داخل صحن، یکی از آشنایان در رسید و گفت: فلانی، شما را محزون می بینم! گفتم: من چنین داستانی دارم، گفت چقدر بدهکاری؟ گفتم: نود هزار تومان، گفت: من می دهم و همه پول را یکجا به من داد و قرضم را به عنایت بی بی سر موعدش پرداخت کردم و برای همیشه راحت شدم. (198)؛

ب - مرحوم حاج میرزا محمد تنکابنی، صاحب بیش از دویست جلد اثر ارزنده، در یکی از تالیفات خود می نویسد: «سالها برای زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم مشرف شده بودم، کیسه ای داشتم که مخصوص پول طلا بود و همواره مقدار معینی طلا مسکوک در آن گذاشته و همراه خود می بردم. شب جمعه ای، دو اشرفی در آن کیسه نهاده و به آستان بوسی دختر باب الحوائج مشرف شدم. در حرم مطهر به دلم افتاد که به یکی از خادمین هدیه ای بدهم، چون هوا تاریک بود، به جای دو روپیه، اشرفی ها را به او داده بودم. هنگامی که به منزل مراجعت کردم، کیسه پول را خالی یافتم و متوجه اشتباهم شدم. هنگام صبح موقعی که می خواستم از منزل خارج شوم، کیسه را برداشتم که تعدادی اشرفی در آن گذاشته و همراه خود داشته باشم. با کمال تعجب مشاهده کردم که دو سکه اشرفی داخل کیسه موجود است. مطمئن بودم که آن شب کیسه خالی بود و احدی به آن دسترسی نداشت و سپس ایشان اضافه می کند که این قضیه دوبار برایم اتفاق افتاده است (20)».

3 - کریمه اهل بیت و حل مشکلات جسمی

صاحب کتاب زندگانی حضرت معصومه می نویسد: «جهت عیادت به محضر مرحوم آیت الله حاج سید محمد محقق یزدی (داماد) مشرف بودیم و از کرامت های حضرت معصومه علیها السلام سخن به میان آمد. ایشان فرمودند: چیزی را که من به چشم خود دیدم، این است که: روزی در مدرسه فیضیه مقابل پله های ورودی صحن مطهر، شخصی را دیدم که از ناحیه پا ناتوان است و جهت تشرف به حرم توانایی بالا رفتن از پله ها را ندارد، یکی از رفقا که آن جا حاضر بود، صدایش کرده و گفتم: این بنده خدا می خواهد به زیارت بی بی برود ولی توانایی ندارد. بیا او را کمک کنیم. کمک نموده و او را از پله ها بالا بردیم و به صحن مطهر رساندیم. آنگاه او را به حال خود گذاشته و از او جدا شدیم. فردا نقره خانه صحن به خاطر شفای شخصی به صدا در آمد. همان شخص ناتوان را دیدم که صحیح و سالم بر روی پاهای خود ایستاده است و خادمین حرم اصرار می نمودند که او را نزد متولی باشی ببرند. ولی او نمی پذیرفت و می گفت: من از اطراف شهر قزوینم، آمده بودم که شفا بگیرم، الحمدلله گرفتم. با متولی باشی چکار دارم و بالاخره هر چه اصرار کردند به تولیت آستانه نرفت. (21)»

این بود شمه ای از الطاف بی شمار و عنایات و کرامات فراوان این بانوی بزرگ که به واسطه وجود پاکش سرزمین قم ماوای عاشقان و ساکنان طریق هدایت و قبله آمال عارفان حقیقت گشته است.

بدان امید که حضرتش همه را از راه لطف مورد عنایت قرار داده و به راه هدایت رهنمون گردد.

این بارگه که خاک درش مشک از فر است // بویش چو بوی خلد برین روح پرور است

دارالشفاء و عقده گشا و فرح فزاست // باب امان زمخت فردای محشر است

طور حضور و مطلع نور و مطاف حور // آرامگاه دختر موسی بن جعفر است

خاتون دین پناه که برهان عزتش // هر صبح و شام صیحه الله اکبر است

هر کس دری به خانه و راهی گزیده است // چشم امید لطفی صافی بر این در است (22)

پی نوشت :

(1) وسیلة المعصومیة، ص 65.

(2) مفاتیح الجنان، زیارت حضرت معصومه علیها السلام.

(3) احزاب/ 33.

(4) ناسخ التواریخ، ج 7، ص 337.

(5) مفاتیح الجنان، زیارت حضرت معصومه علیها السلام.

- 6) سفینه البحار، ج 2، ص 376.
- 7) بحار الانوار، ج 102، ص 266.
- 8) زندگانی حضرت معصومه علیها السلام، منصوری، ص 14، به نقل از ریاض الانساب، ملک الکتاب شیرازی.
- 9) الحیاة السیاسیة للامام رضاعلیه السلام، ص 428.
- 10) تاریخ قدیم قم، ص 213.
- 11) منتهی الآمال، ج 2، ص 162.
- 12) وسیلة المعصومیة، ص 65.
- 13) مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 257.
- 14) شرح کشف المراد، علی محمدی، ص 366.
- 15) مفاتیح الجنان، زیارت جامعہ کبیرہ؛ بحار الانوار، ج 102، ص 132.
- 16) سرودہ شاعر معاصر «محمد واصل»
- 17) بحار الانوار، ج 57، ص 217، ج 44.
- 18) همان، ص 113.
- 19) کریمہ اهل بیت، ص 232.
- 20) قصص العلماء، ص 74.
- 21) زندگانی حضرت معصومه، سید محمد صفی، ص 45.
- 22) سرودہ آیت اللہ العظمی شیخ لطف اللہ صافی گلپایگانی مد ظلہ العالی.
حجة الاسلام دکتر شهاب الدین حسینی اهری
منبع : ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان شماره 37 .